

مناظره متفاوت سه نامزد ریاست جمهوری

صفحه ۶



رییس جمهور چین به کرسی:
 محیطی سالم برای همکاری دوجانبه
 به وجود آورید

صفحه ۶



پاسخ کمیسیون شکایات انتخاباتی به باز نشدن دفترهای ولایتی این کمیسیون: منتظر منظوری کمیشنران ولایتی از سوی رییس جمهور هستیم



باز نشدن هرچه زودتر دفتر های ولایتی کمیسیون شکایت های انتخاباتی یک چالش بزرگ سد راه برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم خواهد بود.

صفحه ۶

دست خدا و ملت به همراهت!

کاندیدای ریاست جمهوری ۱۳۹۳

دکتر عبدالستار

۱ نشان انتخاباتی شماره انتخاباتی

احمد عمران

مردم به انتخابات «آری» گفتند



انتخابات 1393

هرچند کمیسیون شکایات انتخاباتی نسبت به استفاده‌های ابزاری از زبان و قوم در هنگام رقابت‌های انتخاباتی، هشدارهای لازم را صادر کرده؛ ولی به نظر می‌رسد که عده‌ی هم‌چنان از چنین نشانی‌هایی می‌خواهند برای خود رای به‌دست آورند. البته به هیچ‌کسی نمی‌توان گفت که با اقوام و هم‌زبانان دیدار نکن؛ ولی این‌گونه دیدارها نباید به افتراق‌های تباری و زبانی در کشور دامن بزند. انتخابات، حرکتی دموکراتیک است و باید به قواعد آن احترام قایل شد. از این حرکت باید به سود همگرایی ملی در کشور استفاده کرد و باعث شد که شهروندان کشور خود را به‌جای چهارچوب‌های تنگ قومی و زبانی، در فضای بزرگ زیست‌مان مشترک ببینند. در یک کلام، نامزدهای انتخابات باید نشان دهند که بیشتر از برنده شدن در انتخابات، به یک آینده مشترک در سرزمین مشترک

می‌اندیشند

مشکل برای دیگر نامزدها، از شرایط به نفع خود سود ببرند. از جانب دیگر، امنیت ستادهای انتخاباتی و کارمندان آن‌ها نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. هشدار آغازین در این خصوص را در همان نخستین روز آغاز مبارزات انتخاباتی در شهر هرات شاهد بودیم که بدون شک حادثه‌ی بس تأسف‌انگیز می‌تواند باشد؛ ولی جلوگیری از چنین حوادثی در صدر برنامه‌های نیروهای امنیتی باید قرار داشته باشد. مبارزات انتخاباتی زمانی می‌تواند موثر باشد که در فضای امن و در عین حال، احترام به دیگران و نظرات‌شان صورت گیرد. بدون تردید فرهنگ انتقاد نباید قربانی هتک حرمت و بی‌احترامی به دیگران شود. نامزدهای انتخابات حق دارند از نظرات و دیدگاه‌های یک‌دیگر انتقاد کنند و نسبت به نوع برنامه‌ها سخن بگویند، ولی هرگز حق ندارند که به شخصیت‌کشی و برخورد‌های ناروا متوسل شوند. این را گفتیم تا یک بار دیگر سخنان یک تن از نامزدهای انتخاباتی در پیش از آغاز مبارزات انتخاباتی تکرار نشود. از حالا باید متوجه چنین مواردی بود و کمیسیون شکایات انتخاباتی موظف است که نسبت به این مسایل با جدیت برخورد کند.

هرچند کمیسیون شکایات انتخاباتی نسبت به استفاده‌های ابزاری از زبان و قوم در هنگام رقابت‌های انتخاباتی، هشدارهای لازم را صادر کرده؛ ولی به نظر می‌رسد که عده‌ی هم‌چنان از چنین نشانی‌هایی می‌خواهند برای خود رای به‌دست آورند. البته به هیچ‌کسی نمی‌توان گفت که با اقوام و هم‌زبانان دیدار نکن؛ ولی این‌گونه دیدارها نباید به افتراق‌های تباری و زبانی در کشور دامن بزند. انتخابات، حرکتی دموکراتیک است و باید به قواعد آن احترام قایل شد. از این حرکت باید به سود همگرایی ملی در کشور استفاده کرد و باعث شد که شهروندان کشور خود را به‌جای چهارچوب‌های تنگ قومی و زبانی، در فضای بزرگ زیست‌مان مشترک ببینند. در یک کلام، نامزدهای انتخابات باید نشان دهند که بیشتر از برنده شدن در انتخابات، به یک آینده مشترک در سرزمین مشترک می‌اندیشند.

عملاً شمار محل‌هایی که در آن‌ها انتخابات برگزار نمی‌شود را به گونه نگران‌کننده‌ی بالا ببرد. دوم این‌که رقابت‌های انتخاباتی در کشور در شرایط بسیار حساسی آغاز یافته است. آغاز این مبارزات دقیقاً با زمانی مصادف شده که جامعه جهانی به دلیل عدم امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا، علاقه‌مندی کمتری به مسایل افغانستان نشان می‌دهد. آیا رییس‌جمهور کرزی خود زمینه‌ساز چنین وضعیتی نبوده است؟... آقای کرزی مدعی است که توافق‌نامه امنیتی با امریکا را به دلایل ملی امضا نکرده است، ولی قراین و وضعیت، خلاف این موضوع را اثبات می‌کند. از یک‌طرف این ذهنیت که برخی تحلیل‌گران آن را در عدم امضای توافق‌نامه امنیتی برجسته می‌کنند، تقویت می‌شود که آقای کرزی به دلیل منافع شخصی و به‌ویژه در رابطه با انتخابات آینده، از امضای سند امنیتی اجتناب ورزید. شاید او تلاش داشت که با استفاده از سند امنیتی، به یکی از دو هدف اصلی خود دست پیدا کند؛ یعنی این‌که یا نامزد مورد حمایت خود را به گونه‌ی بر جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا تحمیل کند و یا اگر این هدف برآورده نشد، با عدم امضای توافق‌نامه امنیتی، شرایط افغانستان را به سمت وخامت هدایت کند. حتی اگر انتخابات نیز به گونه شفاف و عادلانه برگزار شود و نتیجه آرا چیزی باشد که با خواست عمومی جامعه سازگار باشد؛ ولی برای حکومت آینده، آقای کرزی عملاً میراث بسیار خطرناکی را به‌جا گذاشته است. این میراث افزون بر شرایط بحرانی و ساختار فسادآلود حکومتی، می‌تواند به دلیل عدم امضای توافق‌نامه امنیتی برای حکومت آینده توأم با مشکلات جدی باشد. چنان‌که بسیاری از تحلیل‌گران باور دارند که آقای کرزی به گونه‌ی تعمدی تلاش کرده که حکومت آینده را از همان روزهای نخست آغاز به کار، با مشکلات امنیتی و سیاسی رو در رو کند. سوم این‌که آغاز مبارزات انتخاباتی برای کشور می‌تواند حادثه‌ی خاطره‌انگیز باشد، ولی در این رابطه نیز نگرانی‌هایی وجود دارد؛ نگرانی‌هایی از این‌دست که برخی نامزدهای انتخاباتی بخواهند با هتک حرمت و یا خلق

این روزها فضای افغانستان به شکل عجیبی دگرگون شده است. این دگرگونی را در گوشه‌گوشه کشور می‌توان شاهد بود. هرچند برف‌باری‌های بی‌سابقه چند روز اخیر زیان‌های جدی جانی و مالی را در پی داشت؛ ولی انکار نمی‌توان کرد که این مشکلات سبب نشده که شور و شوق موجود انتخاباتی در کشور کاهش پیدا کند. این فضای جدید با آغاز مبارزات انتخاباتی پیوند مستقیم دارد. شور و شوق فعلی نشان می‌دهد که نظرسنجی‌های پیش از آغاز مبارزات انتخاباتی در مورد مشارکت شهروندان در انتخابات آینده، چندان هم بی‌اساس نبوده و بر پاره‌ی از واقعیت‌ها استوار بوده است. اما به چند نکته در این خصوص باید توجه نشان داد.

نخست این‌که شرایط موجود در کشور نشان می‌دهد که تاریخ برگزاری انتخابات، چه بر اساس قانون اساسی بوده باشد و یا غیر آن، تاریخی برابر و مساعد با وضعیت کشور نیست. آغاز مبارزات انتخاباتی نشان داد که این تاریخ حداقل برای افغانستان نمی‌تواند واقع‌بینانه تلقی شود. زیرا زمستان با توجه به شرایط کشور، خالی از مشکلات نیست و می‌تواند مُمخِل برنامه‌های زیادی باشد. هم‌اکنون بسیاری از نامزدهای انتخابات با توجه به شرایط جوی نمی‌توانند به نقاط مختلف کشور سفر کنند. این موضوع، زمانی جدیت می‌یابد که این نکته نیز در نظر گرفته شود که زمان رقابت‌های انتخاباتی، زیاد طولانی نیست و این محدودیت می‌تواند در رساندن پیام نامزدها به رای‌دهنده‌گان خلل وارد کند. شاید بارش برف سنگین در روزهای اخیر در کشور کم‌سابقه بوده باشد، ولی این موضوع باید از سوی تصمیم‌گیرنده‌گان تاریخ برگزاری انتخابات در نظر گرفته می‌شد. فراموش نباید کرد که افغانستان کشوری با راه‌های دشوارگذار است و سرمای زمستان می‌تواند حتی برای مسوولان برگزاری انتخابات نیز مشکلات جدی‌یی را به وجود آورد. آیا کمیسیون برگزاری انتخابات خواهد توانست در موجودیت شرایط فعلی، به تمام نقاط کشور محموله‌های انتخاباتی را منتقل کند؟ از جانب دیگر، این موضوع می‌تواند

سخن‌ماندگار

شراکت ارگ و شورشیان در کشتار افراد ملکی

انتشار گزارشی از سوی سازمان ملل، افزایش تلفات ۱۴ درصدی مردم ملکی را نشان می‌دهد که بخش اعظمی از این کشتارها را طالبان و دیگر گروه‌های شورشی به‌صورت سازمان‌یافته انجام داده‌اند.

سازمان ملل در این گزارش نوشته است که تنها در سال ۲۰۱۳، ۲۹۵۹ تن کشته و ۵۶۵۶ نفر دیگر در افغانستان زخمی شده‌اند. این گزارش هم‌چنان می‌افزاید که به مقیاس سال گذشته، تلفات افراد ملکی ۳۶ درصد و از کودکان ۳۴ درصد افزایش یافته است، و زنان و کودکان بیشتر آماج حملات طالبان بوده‌اند.

بر بنیاد همین گزارش، در سال ۲۰۱۳، ۵۶۱ کودک و ۲۳۵ زن کشته و ۱۱۹۵ کودک و ۵۱۱ زن دیگر زخمی شده‌اند. مقامات سازمان ملل، علت این جنایت‌های سازمان‌یافته را، در رفتار طالبان و سایر گروه‌های شورشی جست‌وجو می‌کنند و نزدیک به هشتاد درصد، اتهامات و تقصیر این کشتارها، متوجه طالبان می‌گردد.

انتشار این ارقام به‌گونه کم‌سابقه‌ی وحشت‌ناک است، آن‌هم در زمانی که نیروهای جامعه جهانی در حال خروج از افغانستان‌اند. سازمان ملل چنین کشتارهایی را، نشانه نوعی عقب‌گرد در افغانستان تلقی کرده است. که به نظر می‌رسد این برداشت خیلی از حقیقت به دور نیست.

انتشار این آمار در حالی صورت می‌گیرد که رییس‌جمهور کرزی، کشتار افراد ملکی از سوی نیروهای ناتو و ایالات متحده را بهانه قرار داده و از امضای پیمان امنیتی امتناع می‌ورزد. هم‌چنان، این گزارش در حالی انتشار می‌یابد که رییس‌جمهور کرزی به منظور جلب حمایت طالبان و طرح مصالحه با آنان، تقریباً همه زندانیان طالب را رها کرده و هنوز هم باور دارد که طالبان با رهایی زندانی‌های‌شان، دست از جنگ‌و‌خشونت می‌کشند و به روند صلح می‌پیوندند.

حال آن‌که انتشار آمار افزایش تلفات ملکی از سوی سازمان ملل، روایت دیگری دارد. نخست این‌که دلیل کشته شدن مردم ملکی توسط نیروهای ایالات متحده و ناتو، عملکرد طالبان، حزب اسلامی و سایر گروه‌های تروریستی بوده است. این سخن به معنای آن نیست که نیروهای ایالات متحده و ناتو هیچ اشتباهی نداشته‌اند، بل به معنای آن است که حجم بالایی از کشتارهای بی‌رحمانه مردم ملکی، توسط طالبان و سایر گروه‌های تروریستی صورت گرفته است. اما رییس‌جمهور با انکار این واقعیت، همه تقصیر را به گردن ایالات متحده و ناتو می‌اندازد. دلیل این امر نیز روشن است. بهانه‌جویی رییس‌جمهور نه به‌خاطر کشته شدن مردمی است که در جریان جنگ علیه طالبان قربانی می‌شوند؛ بل امتیازهایی است که او در بدل امضای پیمان امنیتی از ایالات متحده تقاضا دارد و رسانه‌های کشور، چندی‌و‌چونی این مطالبات را در ماه‌های اخیر به تفصیل روشن کرده‌اند.

نکته دیگر که انتشار این آمار و ارقام می‌نمایاند، این است که طالبان و دیگر شورشیان بدون هیچ تردیدی، مسبب اصلی قتل مردم ملکی‌اند. وقتی نزدیک به هشتاد درصد چنین کشتارهایی از سوی طالبان صورت می‌گیرد، پس این گروه دشمن اصلی مردم افغانستان‌اند. بنابراین، هر نوع مسامحه در برخورد با قاتلین مردم، یک اشتباه و یک خیانت است. اما سوگ‌مندانه که حکومت افغانستان نه‌تنها این نکته را درک نکرده، که سیاست بخشش قاتلان را هم در پیش گرفته است. نتیجه چنین سیاستی، رهایی هزاران زندانی طالب خشنوت‌پیشه‌ی بود که بی‌گمان شمار زیادی از آن‌ها در افزایش این آمار بلندوبالا دست دارند.

پایان سخن این‌که: متهم اول فهرست منتشرشده قربانیان ملکی، تنها گروه طالبان نیست؛ بل سیاست‌های آقای کرزی هم به نوبه خود در این کشتار تأثیرگذار بوده و به یقین که ادامه این‌گونه سیاست‌ها و ادامه حاکمیت تیم کنونی، فهرست بلندوبالای قربانیان را بلندتر خواهد ساخت.

ملاکه یوسفزی:

می خواهیم نخست

وزیر پاکستان شوم



دختر نوجوان پاکستانی که از دست طالبان جان سالم به در برده است، در مصاحبه‌یی با «صدای روسیه» اظهار کرد که قصد دارد دانش آموز کوشا و درس خوانی در مکتب باشد و در آرزوی رسیدن به نخست وزیری پاکستان است.

ملاکه یوسف زی، دانش آموز پاکستانی که طالبان قصد جاننش را کرده و با شلیک گلوله به سرش باعث بستری شدن وی در بیمارستان و انتقالش به لندن شده بود، در مصاحبه‌یی با صدای روسیه گفت: دریافت جوایز متعدد از کشورها و جامعه بین‌الملل مرا ترغیب کرده که بیشتر سعی و تلاش کنم و به دفاع از حقوق دختران پردازم؛ به حمایت از حق تحصیل کودکان و دختران و برابری. من قول داده‌ام که برای تحصیل تلاش کنم و باید این قول را تحقق بخشم.

ملاکه در پاسخ به این سوال که دوست دارد در آینده چه شغلی یا سمتی داشته باشد، گفت: وقتی کوچک بودم، فکر می‌کردم که دکتر شوم، اصلاً نمی‌دانستم که دختران هم می‌توانند خبرنگار، تاجر یا سیاستمدار شوند. تا اینکه دنیای خارج از دره سوات، محل زندگی من را دیدم. من زانی را دیدم که سیاستمدار بودند و نمونه آن‌ها بی‌نظیر بوتو، نخست وزیر ترور شده پاکستان است، او الگویی برای ماست. او به ما نشان داد که یک زن می‌تواند نخست وزیر باشد و حقوقی برابر مردان داشته باشد. من نیز تصمیم گرفتم که باید تلاش کنم تا یک سیاستمدار شوم و نشان دهم نه تنها دختران می‌توانند کشورشان را اداره کنند بلکه می‌توانند سیاستمدار باشند و سایر مشاغل را بجز معلمی و پزشکی کسب کنند.

این دختر نوجوان پاکستانی در ادامه به سؤالی درباره این مساله که بی‌نظیر بوتو از خانواده‌یی برجسته بود، گفت: من از این موضوع مطلع که راه سختی در پیش دارم. من هنوز نوجوان هستم و مردم به من احترام می‌گذارند اما چند سال بعد که به سنین جوانی برسم، مطمئناً با مشکلاتی مواجه می‌شوم اما باید این مسیر را طی کنم، من می‌خواهم با تبدیل شدن به سیاستمدار به مردم کشورم و جهان این موضوع را بگویم که موفق شدن نیازی به ثروت و جاه و مقام ندارد. اگر می‌خواهید در کاری موفق باشید باید انسان باشید.

ملاکه یوسف زی درباره انتقادهایی که به کتابش «من ملاکه هستم» وارد آمده، گفت: هر کتابی که منتشر شود مطمئناً انتقادهایی را با خود به همراه دارد. برخی می‌گویند این یک کتاب خوب نیست. این کتاب هم همانند سایر تالیف‌ها و نوشته‌ها با انتقادهایی همراه بوده است.

پسوند «ستان» از قزاقستان

حذف می‌شود

رییس جمهوری قزاقستان در نظر دارد پسوند «ستان» را از نام «قزاقستان» حذف کند تا میان کشور نفت‌خیزش از مابقی کشورهای آسیای مرکزی که در فقر به سر می‌برند، تمایزی ایجاد کند!

به گزارش خبرگزاری رویترز، قزاقستان نهمین کشور بزرگ جهان با جمعیتی ۱۷ میلیون نفری دارای بزرگترین اقتصاد در میان کشورهای شوروی سابق محسوب می‌شود که کمپانی‌های خارجی میلیاردها دلار در ذخایر معدنی این کشور از زمان استقلالش در سال ۱۹۹۱ هزینه کرده‌اند. اما مقام‌های قزاقستان می‌گویند این کشور وسیع با کوهستان‌ها و استپ‌هایش آنچنان که باید در جهان شناخته نشده است.

نور سلطان نظربایف، رییس جمهوری قزاقستان اعلام کرد که نام جدید کشورش احتمالاً چیزی شبیه به «قزاق‌الی» است که از واژه «سرزمین قزاق‌ها» گرفته شده است و باعث می‌شود که این کشور نفت‌خیز بزرگ از سایر کشورهای آسیای مرکزی چون قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان که در فقر به سر می‌برند، متمایز باشد.

نظربایف اعلام کرد: پسوند ستان از آخر قزاقستان حذف می‌شود. احتمالاً ما باید مساله پذیرش و تصویب نام جدید کشور را مورد بررسی قرار دهیم. اما پیش از آن باید این مساله را با مردم مطرح کنیم. نظربایف ۷۳ ساله از دو دهه پیش در سمت ریاست جمهوری قزاقستان است.

وی که لقب «رهبر ملت» و «پاپا» را با خود دارد باعث اصلاحات اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی در صنایع قزاقستان شده است.

سیاست‌های اوباما و اهمال امریکا

نسبت به جهان عرب

به راه حلی در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، ایجاد راهکار میانه‌ای برای حل بحران سوریه و پیشبرد روند مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطین. اوباما به خوبی می‌داند که نمی‌تواند در هیچ یک از سه مساله مذکور به راه حلی نهایی دست یابد اما امیدوار است که راه را برای رسیدن به صلحی در آینده هموار کند.

حقیقت به ما می‌گوید که اوباما به عنوان یک رییس‌جمهور «با مهارت» ثابت کرده که به امور مهم و اساسی در داخل کشورش بیش از امور خارجی اهمیت داده و امور داخلی را در راس اولویت‌های خود قرار می‌دهد.

اوباما به خوبی می‌داند که امریکا حدود پنج تریلیون در جنگ علیه تروریسم ظرف ۱۲ سال از آغاز اقدامات تروریستی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هزینه کرده است و این اقدام همچنان با تکیه بر بودجه نظامی این کشور ادامه داد. این هزینه‌ها سودی برای اقتصاد امریکا نداشته است و اقتصاد این کشور از بدترین بحران مالی در دهه‌های گذشته و افزایش کسری بودجه و بدهی‌ها رنج می‌برد.

اوباما در یکی از مصاحبه‌های خود در خصوص ارزیابی تهدیدی که عراق و دیگر کشورهای عربی و اسلامی از سوی گروه تروریستی القاعده با آن مواجهند، گفته بود: من معتقدم که میان توانایی‌ها و امکانات اسامه بن لادن (رهبر سابق القاعده) یا شبکه‌ای که به اقدامات تروریستی دست می‌زند و میان تندرورهایی که بر سر قدرت می‌جنگند تفاوت وجود دارد و دیدگاه ما نسبت به تروریسم این است که لزومی ندارد هر اقدام زشت و جنایتکارانه‌ای را که در جهان اتفاق می‌افتد تهدید مستقیمی برای خود بدانیم یا اینکه در آن مداخله کنیم.

این اظهارات اوباما به چه معناست؟ به سادگی می‌توانیم بگوییم که این یعنی اگر عرب‌ها و مسلمانان همدیگر را می‌کشند هیچ اشکالی نداشت و می‌توانستیم به سادگی با آن کنار بیاییم. به عبارت دیگر اگر عرب‌ها و مسلمانان همدیگر را می‌کشند رسوایی بزرگی نبود اما به این شرط که این تدرورها لطمه‌ای به امنیت امریکا نزنند.

امکان ندارد اوضاع امریکا و سیاست‌های واشنگتن در قبال جهان عرب تغییر کند. اوباما در سیاست خارجه امریکا واقع‌گرایانه عمل می‌کند تا جایی که منافع ملی را بر ارزش‌ها و اخلاقیات ترجیح می‌دهد و همواره تلاش می‌کند تا وجهه امریکا را به عنوان یک ابرقدرت حفظ کند. به عنوان مثال امریکا برای مقابله با نفوذ روزافزون القاعده در عراق، بغداد را به تجهیزات نظامی لازم مجهز کرد.

رخدادهای سوریه نیز نشان می‌دهد که ابرقدرت‌ها در راستای نقض قوانین بین‌المللی عمل کرده و مسئولان جامعه جهانی از فجایع انسانی در راستای اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند. پیشتر اگر کودتای نظامی در کشوری رخ می‌داد کمک‌های نظامی به آن کشور متوقف می‌شد اما اوباما با همکاری کنگره این قانون را اصلاح کرد تا بتواند ۱.۵ میلیارد دلار به عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر و هم‌پیمانانش کمک کند.

چنین اقداماتی تقریباً با طرح‌های پیشین اوباما تعارض دارند مثلاً وی در ۲۱ مه ۲۰۰۹ گفته بود که اگر امروز از ارزش‌هایمان در راه امنیت چشم‌پوشی کنیم فردا در معرض خطر قرار خواهیم گرفت. اما در خصوص سوریه اوباما معتقد است که مداخله در سوریه آنقدر منافع برای امریکا در پی نخواهد داشت که ارزش این مداخله را داشته باشد و حتی رهبران سکولار مخالف سوریه نیز گفته بودند که امریکا از آنها حمایت به عمل می‌آورد تا بتوانند در مقابل نیروهای نظام اسد پایداری کنند اما این کمک‌ها آنقدر کافی نبود که برکناری اسد بینجامد.

اما با وجود جنگنده‌ها و پایگاه‌های امریکایی و کمک‌های نظامی وی به منطقه، مساله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که امریکایی که خود را «تنها ابرقدرت در جهان» می‌داند آیا در امور منطقه مداخله می‌کند یا خیر؟ یا اینکه چگونه می‌تواند به صورتی مثبت و سازنده در محیط مسمومی که خود واشنگتن طی دهه گذشته آن را به وجود آورد، مداخله کند؟

با چالش‌هایی که امنیت ملی امریکا را تهدید می‌کنند، بهتر از روش «جنگ» است که رییس‌جمهور پیشین امریکا در پیش گرفته بود. اوباما از زمان آغاز دور دوم ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۰۸ همچنان نسبت به متوسل شدن به قدرت نظامی به خاطر حل درگیری‌ها یا ارائه راهکارها برای حل بحران‌های انسانی، تردید داشته است.

وی همواره بر این مساله پافشاری می‌کند که واشنگتن برای حل درگیری‌های سیاسی با دیگران همکاری کند اما این پافشاری در خصوص درگیری‌های غرب آسیا یا آنچه امریکایی‌ها آن را «خاورمیانه بزرگ» می‌نامند، دیده نمی‌شود.

عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از عراق به پایان رسید و پس از شکست اهدافی که امریکا به خاطر آن بر تعداد نیروهای خود در افغانستان افزود، تصمیم گرفت در پایان سال جاری میلادی تمامی نیروهای خود غیر از ۱۰ هزار تن که احتمالاً تا دو سال دیگر در آنجا باقی خواهند ماند را از این کشور خارج کند.

همچنین اوباما همواره نسبت به آغاز روابط با ایران روی

جنبش‌های وابسته به القاعده مساحت‌های زیادی از جهان را اشغال کرده‌اند؛ از اقیانوس اطلس گرفته تا اقیانوس هند، از منطقه قفقاز تا قاره آسیا و حتی در مرزهای اروپا هم حضور دارند و این مساله موجب قدرت‌گیری بیشتر آنها می‌شود. این چیزی است که حتی پس از اثبات بی‌پایه و اساس بودن پیش‌بینی‌های دولت امریکا در خصوص فروپاشی القاعده نیز موجب ناراحتی زیاد شخص اوباما شده است.

به نظر نمی‌رسد اوباما نسبت به این مساله که گروه «دولت اسلامی عراق و شام» موسوم به «داعش» امروز و پس از گذشت سه سال از عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از عراق کنترل شهرها و شهرک‌های زیادی در عراق و سوریه را در دست دارد، احساس نگرانی شدید کند، چنان که به نظر نمی‌رسد وی از اوضاع سوریه و رنج‌های شهروندان سوری متأثر شده باشد.

بدتر از این آن است که اوضاع سیاسی عراق، شکست راهکارها و طرح‌های امریکا در این کشور و بازگشت دوباره خشونت به عراق موجب ظاهر شدن آثار خشم و ناراحتی بر چهره اوباما نشد و وی به رغم تأثیر بحران سوریه بر کشورهای همجوار و به رغم فشارهای داخلی و خارجی، خواهان مداخله نظامی در بحران سوریه نشد.

پیشتر کنگره امریکا این اختیار را به اوباما داد که با ادعای استفاده نظام سوریه از سلاح‌های شیمیایی به این کشور حمله نظامی کند، اما اوباما در لحظه آخر در پی تدوین طرحی جهت امحای تسلیحات شیمیایی سوریه از حمله نظامی به سوریه منصرف شد. در حال حاضر نیز اوباما از طریق هم‌پیمانان بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه برای حل بحران در این کشور، تلاش می‌کند.

در خصوص مصر نیز همین اتفاق افتاد؛ اوباما در وهله نخست تصمیم گرفت در خصوص حوادث در این کشور سیاست عدم مداخله را اتخاذ کند، اما پس از تردیدی طولانی حوادثی را که به عزل محمد مرسی، رییس‌جمهوری برکنار شده مصر انجامید، «کودتا» نامید، گرچه این موضع‌گیری به آن اندازه قوی نبود که وی را وادار کند به صورتی جدی بر عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر فشار بیاورد تا از آن چه که بر آن اصرار دارد، منصرف شود.

در اینجا این سوال پیش می‌آید که چه چیزی موجب شد اوباما چنین سیاستی را اتخاذ کرده و تمایلی برای صحبت کردن در خصوص خشونت‌ها در منطقه خاورمیانه نداشته باشد؟ وقتی طرفداران اوباما به وی می‌نگرند، رییس‌جمهوری باهوش و آگاه، منظم و صبور می‌بینند که در مقابله با چالش‌های سیاسی

می‌تواند قوت قلب خود را حفظ کند. اما منتقدان وی معتقدند که اوباما در اجرا و ایفای نقش «تنها ابرقدرت جهان» در هنگام مواجهه با بحران‌ها و چالش‌هایی که منافع امریکا، هم‌پیمانان واشنگتن و شرکای تجاری آن را تهدید می‌کند، شکست خورده است.

اوباما خود را رییس‌جمهوری می‌داند که ارزش‌های مشخصی را داراست و دنبال تحقق اهداف مشخصی است. و شخصیتی سیاسی است که توانایی تشخیص مسائل را دارد و تهدیداتی را که علیه وی مطرح می‌شوند، بزرگ جلوه نمی‌دهد.

بر اساس گفته رابرت گبتس، وزیر دفاع سابق امریکا، «اوباما نسبت به جنگ افغانستان حتی پس از تصمیم اعزام نیروهای بیشتر به این کشور خرسند نبود.»

از سوی دیگر، اوباما از زمان بر عهده گرفتن سمت ریاست جمهوری و بر خلاف اظهاراتش در قاهره در سال ۲۰۰۹ مبنی بر اینکه «امریکا از حق خود دفاع خواهد کرد و حاکمیت دیگر کشورها و حاکمیت قانون را محترم می‌شمارد»، همواره بر جنگ علیه القاعده و اقدامات تدرورها با استفاده از سلاح‌های جنجالی برانگیز مثل پهپادها متمرکز بوده است، حال آن که استفاده از این سلاح‌ها موجب نقض قوانین بین‌المللی، نقض حاکمیت کشورها و کشتن غیرنظامیان می‌شود و همه این اقدامات در قالب شعار «جنگ امریکا با دشمنانش» صورت می‌گیرد.

اوباما از بهایی که برای «تروهای برنامه‌ریزی شده» باید بپردازد، خبر دارد و معتقد است که این روش برای مقابله



باز نشان داده و کمی پس از پایان ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد و روی کار آمدن دکتر حسن روحانی، اوباما به سرعت توانست به توافقنامه انتقالی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران دست یابد و این چیزی است که می‌تواند آغاز فصل جدیدی در روابط ایران و امریکا برای اولین بار از سال ۱۹۷۹ باشد.

اما در خصوص بهار عربی باید بگوییم که اوبامای عملگرا با آغاز انقلاب‌های بهار عربی بسیار خوشحال شد و از حسنی مبارک، رییس‌جمهور سابق مصر، معمر قذافی، رهبر مخلوق لیبی، علی عبدالله صالح، رییس‌جمهور سابق یمن و بشار اسد، رییس‌جمهوری سوریه خواست تا از قدرت کناره‌گیری کنند چرا که به نظر وی این افراد هیچ جایگاهی در آینده کشورشان ندارند.

اوباما وقتی دید که اوضاع کشورهای عربی ناآرام است، در تصمیماتش مرددتر شد و زمانی که انقلاب‌ها در مصر و برخی از کشورهای عربی رخ داد از مواضع خود عقب‌نشینی کرد و پیش از اینکه غبار جنگ و درگیری در منطقه فرو بنشیند، همچنان محتاطانه عمل می‌کرد و در یک چشم بر هم زدن تمامی سخنرانی‌ها و بیانه‌هایش در خصوص آزادی و عدالت به صرف چند کلمه و حرف تبدیل شد.

وی در سخنرانی اصلی خود در سازمان ملل در سپتامبر گذشته به شکلی گسترده‌تر به اوضاع منطقه پرداخت تا جایی که مساله نفوذ دموکراسی در جهان عرب به حاشیه رفت و مساله مبارزه با تروریسم و سه مساله دیگر جای آن را گرفتند. این سه مساله عبارت بودند از رسیدن

بخش سوم

امریکا هنوز با الهیات رهایی بخش می‌جنگد



نویسنده: دانیل کوالیک

منبع: کانترپانچ

سفارت ایالات متحده در واتیکان، در تلگرام ۱۴ جنوری ۲۰۰۸، نظرات پاپ بندیکت را پیرامون شماری از موضوعات، از جمله درباره کشورهای گوناگون در امریکای لاتین تجزیه و تحلیل نمود. ۳۰ از جمله، سفارت اذعان نمود که «به نظر سریر مقدس، کاتولیک‌ها در کیوبا از سطحی از آزادی مذهب برخوردارند.» سفارت با ذکر شماری از سفرهای بین‌المللی مردم عادی به رُم می‌گوید «روابط بین کلیسا و دولت کیوبا «نه عالی و نه خیلی بد» است.» (در واقع، این باید خاطر نشان شود که روحانیون کاتولیک کیوبا هرگز آن نوع خشونت را که در مورد روحانیونی که در دولت‌های دست‌نشانده ایالات متحده در منطقه زنده‌گی می‌کنند اعمال شده است، ندیده‌اند.)

با توجه به دل‌مشغولی خود آن با موضوع، سفارت در تلگرام مشروحاً به بحث درباره نظرات پاپ درباره الهیات رهایی بخش ادامه می‌دهد:

«هم‌چنین مهم - و نگران‌کننده - برای سریر مقدس، جان‌سختی الهیات رهایی بخش امریکای لاتین است. طی دوره خود به عنوان «فرماندار کلیساها برای دکتین ایمان» در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، کاردینال ژوزف رتزیگر آن‌زمان با الهیات رهایی بخش به دلیل هواداری آن از جنبش‌های انقلابی مخالف بود. برخی از هواداران این الهیات - از جمله روحانیون سابق - اکنون مناصب سیاسی برجسته‌یی را در کشورهایی مانند بولیوی و پاراگوئه اشغال می‌کنند، پدیده‌یی که یک مفسر به عنوان تناسخ سکولار الهیات رهایی بخش توصیف کرده است. برای سریر مقدس، تفسیر کلام خدا (آموزش‌های کلیسای کاتولیک) پیرامون موضوعات اجتماعی قویاً از حقوق محرومین حمایت می‌کند. این جانب‌داری، که اغلب به عنوان «گزینه ترجیحی کلیسا نسبت به فقرا» توصیف می‌گردد، نباید شامل این شود که روحانیون مناصب بالای دولتی را

عهدہ‌دار شوند یا در انتخابات نامزد شوند. با دعوت به کاهش تنش‌های داخلی در امریکای لاتین، سریر مقدس امیدوار است مانع از جو حاصل‌خیزی شود که موجب گردآمدن روحانیون کنش‌گر و مترقی حول دولت‌های پوپولیست، اقتدارگرا می‌شود.» در یک تلگرام به تاریخ ۲۷ سپتمبر ۲۰۰۵، از سفارت ایالات متحده در سان سالوادور، به نام «السالوادور: نفوذ زوال‌یابنده کلیسای کاتولیک رم»، ایالات متحده یک تحلیل که به سود آن است ارایه می‌کند، اما ناخواسته آن‌چه را که طی چند دهه گذشته در آن کشور اتفاق افتاده است برملا می‌سازد. مثلاً، سفارت می‌گوید:

«در سال ۱۹۷۷، اسکار آرنولفو رومرو، اسقف پیشین، یک موضع صریح به‌سود «الهیات رهایی‌بخش» اتخاذ کرد که بسیاری از اعضای متنفذ کلیسا را گریزان نمود. اسقف آرتورو ریورا ی داماس طی دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۴ خود سرمشق رومرو را دنبال کرد. پس از قرارداد صلح ۱۹۹۲ که به سرکوب و خشونت از جانب نیروهای دولتی و چریک‌ها پایان داد، خیلی چیزها تغییر کرده است. با گزینش فرناندو سائز لاکال به عنوان اسقف سان سالوادور در سال ۱۹۹۵، کلیسای کاتولیک وارد عصر جدی شد که در آن حمایت از «الهیات رهایی‌بخش» را کنار نهاد؛ سائز لاکال تأکید دوباره‌یی را بر رهایی فردی و اخلاقی قرار داده است. اما، اختلاف اصلی در درون کلیسای کاتولیک السالوادور در قبال موضوعات سیاسی هنوز وجود دارد.» سفارت در ادامه توضیح می‌دهد که با خروج از الهیات رهایی‌بخش «کلیسای کاتولیک السالوادور در واقع مجدداً رُمی شده است...»

همان‌طور که اغلب صادق است، روش‌کننده‌ترین چیز در عبارات فوق چیزی‌ست که ناگفته مانده است. مثلاً، سفارت به اسکار رومرو به عنوان «اسقف سابق» که الهیات رهایی‌بخش را پذیرفت، اشاره می‌کند. البته همان‌طور که همه می‌دانند، اسکار رومرو در واقع درگذشته است، و علاوه بر این، او در حال انجام مراسم عشا ربانی توسط نیروهایی که

ایالات متحده به آن‌ها آموزش، پول و اسلحه داده بود، به قتل رسید. سفارت، چون می‌خواهد از این واقعات اذیت‌کننده اجتناب کند، او را فقط در «اسقف سابق» خلاصه می‌کند، گویی او صرفاً ممکن است بازنشسته شده باشد. و چیزی که ناگفته مانده است این است که قتل انسان‌های خوبی مانند اسقف رومرو بود که به «رمی شدن مجدد» کلیسا منجر شد - اصطلاحی که معنی دوگانه دارد، این می‌تواند به‌درستی به‌معنی این باشد که کلیسا دوباره در خط واتیکان در رم قرار گرفته است (معنی واقعی آن)، اما هم‌چنین می‌تواند به‌معنی بازگشت به موضع ماقبل امپراتوری کلیسا باشد (با گسیخته‌گی محدودی پس از دومین شورای واتیکان در ۱۹۶۲) از سال ۳۲۴ میلادی تا کنون. به عبارت دیگر، برای واتیکان و ایالات متحده مأموریت انجام شده است.

چند سال به جلو برگردیم، به ۲۷ فروردی ۲۰۰۹. سفارت ایالات متحده در سان سالوادور دوباره به علت یک اسقف اعظم جدید و «صریح‌تر» که سفارت مظنون به هواداری او از الهیات رهایی‌بخش است، دست‌های خود را به‌هم می‌فشارد. ۵. از این‌رو، یک بخش تلگرام زیر عنوان «هوادر اما نه دل‌بسته الهیات رهایی‌بخش» کاملاً به اسقف اعظم جدید اختصاص دارد. همان‌طور که سفارت توضیح می‌دهد، «اظهارات علنی اسقف اعظم اسکویبار حاکی از این است که او ممکن است نظراتی نزدیک به الهیات رهایی‌بخش داشته باشد، به جنبشی در کلیسای کاتولیک که بر رهایی فقرا و ستم‌دیده‌گان تأکید می‌کند و برخی از پیروان را به حمایت از فعالیت انقلابی در امریکای لاتین و از جمله در شورش جبهه آزادی‌بخش ملی فارابونندو مارتی (۱۹۹۲-۱۹۸۰) هدایت کرد» - البته، شورش‌یی که ایالات متحده سرسختانه از طریق حمایت خود از نیروهای نظامی سرکوب‌گر در السالوادور که شورش را درهم شکست و ده‌ها هزار غیرنظامی بی‌گناه را در طی آن کشت، با آن مخالفت کرد.

بخش دوم و پیاپی

رازهای مدیریتی از زبان مدیران برتر امریکا

Jason Rhode, مدیرعامل Cirrus

همه تعاملات انسان‌ها با یکدیگر باعث می‌شود یا از هم انرژی بگیرند یا باعث کم شدن انرژی هم بشوند. این موضوع در مورد همه انسان‌ها مصداق دارد، اما مدیرها تأثیر بیشتری روی کارمندان خود دارند و هم‌چون اهرم پیشرفت برای اعضای تیم خود عمل می‌کنند. کارفرما همیشه کوچک‌ترین فعالیت‌های کارمند را زیر نظر دارد و به این ترتیب می‌تواند استعداد یا توان او را بهتر از هر فرد دیگری درک کند و باعث پیشرفت او و کار خود بشود.

Arkadiy Dobkin, مدیرعامل سیستم‌های EPAM

من اگر از کسی انتظار داشته باشم کیلومترها راه برود، آن‌ها زمانی آن را انجام می‌دهند که مطمئن باشند من خودم می‌توانم آن مسافت را با پای پیاده طی کنم. این اعتماد نیز در طول سال‌ها به وجود می‌آید و البته باید بدانید خیلی آسان نیز از بین می‌رود.

Bryan Shinn, مدیرعامل Silica Holdings

شما باید بتوانید منطقه‌یی درست کنید که همه مسایل اضافی را کنار بگذارید و ذهن خود را از فکرهای بی‌ارزش خالی کنید. سلامت ذهنی و فکری شما فقط برای خود شما خوب نیست، بلکه بر کار و تجارتي که انجام می‌دهید نیز بسیار تأثیر دارد. بسیاری از ایده‌های خوب من در بیرون از دفتر به ذهنم خطور می‌کنند و تلاش من برنامه‌ریزی برای تحقق آن‌ها است.

Cheri Beranek, مدیرعامل موسسه Clearfield

همیشه باید میان اهداف طولانی‌مدت و اهداف فوری، تعادل وجود داشته باشد. بیشتر مواقع، برخی از شرکت‌ها به حدی درگیر مسایل مالی سه‌ماهه‌های کاری خود می‌شوند که مجبورند اهداف کوتاه‌مدت برای خود تعیین و بر اساس آن‌ها پروژه‌ها را اجرا کنند و این مانع از برنامه‌ریزی برای برنامه‌های طولانی‌مدت می‌شود.

John Foraker, مدیرعامل شرکت Annie's

قابل اعتماد، صادق و واقعی باشید. سعی کنید افراد مناسب برای نیازهای کاری خود بیابید تا شما تجربه و زیرساخت لازم برای رشد و پیشرفت بیشتر را داشته باشید.

Kevin Thompson, مدیرعامل SolarWinds

مدیران باید بدانند همه اهداف و علاقه‌مندی همه انسان‌ها تغییر می‌کنند. مشکل این‌جاست که بیشتر آن‌ها احساس می‌کنند این تغییر زمانی روی می‌دهد که جایگاه یا شرکت آن‌ها تغییر کند. اما مدیرانی که به حرف صاحبان شرکت خود گوش می‌دهند، بهتر می‌توانند موجب پیشرفت خود و شرکت بشوند.

Rob Lynch, مدیرعامل Lumber Liquidators

هر چه همه اعضای یک شرکت با هم بیشتر همکاری داشته باشند و در یک مسیر مشخص حرکت کنند، آن شرکت فعالیت بسیار بهتری خواهد داشت. باید در مجموعه‌های کاری این فرهنگ را به وجود آورد که همه با هم در یک ردیف کار می‌کنند و کسی مدیر دیگری نیست. اگر کسی مرا مدیر یا مسوول صدا کند، بسیار ناراحت می‌شوم. من خودم را عضوی از تیم و اعضای گروه کار می‌دانم.

Behroz Abdi, مدیرعامل شرکت InvenSense

با شناخت و درک اهداف کوچک در کنار هم به عنوان یک تصویر کلی و درازمدت، می‌توان به‌ساده‌گی ارتباط میان اهداف و اولویت هرکدام از آن‌ها را به‌خوبی تشخیص داد. برای یک مدیر بسیار مهم است که اهداف خود را به‌خوبی بشناسد و برای تحقق آن‌ها زمان‌بندی کند. البته باید بدانید اولویت کارها در زمان‌های مختلف ممکن است تغییر کند.



نگاهی به رمان «موج‌ها» نوشته

ویرجینیا وولف



بخش دوم و پایانی

دکتر بهنام اوحدی

«موج‌ها» هرچند اثر نویسنده‌ی مدرنیست است، اما به ویژه‌گی‌ها و تمی گام می‌نهد که دهه‌ها پس از انتشار آن «پست‌مدرن» خوانده می‌شود. اگر در «باغ (پارک) کیو» دنیای ازهم‌گسیخته و زنده‌گی پوچ و بی‌هوده آدمیان در کنار جریان هدف‌مند و یک‌پارچه اجزای طبیعت جان‌دار و بی‌جان روایت می‌شود، در موج‌ها جریان زنده‌گی طی زمان گویا نه فقط برای انسان‌ها، که برای محیط پیرامون او چون گل، برگ، شکوفه، شاخه، ریشه، برکه، مرداب، مزرعه، پرنده، جهنده، صدف، حلزون و... نیز بی‌هدف، فروپاشیده و رنگ‌باخته است؛ تا چه رسد به اشیای خانه و کلیسا و مدرسه. تنها خورشید است که هدف‌مندانه با تغییر جایگاه در آسمان و دگرگون شدن زاویه و اندازه تابش نورش، زمان و رمان را به پیش می‌راند و در پی هر خواب (کنایه از مرگ)، زاده شدن دوباره زنده‌گی جهان، جان‌داران و مردمان را سبب می‌شود. امواج چنین جایگاهی را ندارند. امواج شاید هم‌چون زنده‌گی مرگ پایان، رفتگر رفته‌گان و مردارخواری وحشی و همیشه‌گی باشد که پیکرهای آدمیان و دیگر زنده‌گان را هم‌چون نعش جمود یافته صدف‌های تهی و ویران می‌بلعد و با خود به دور دست‌ها و ته دریا می‌برد.

اگر در «باغ (پارک) کیو» (۱۹۱۷) مشاهده‌گری در جایگاه راوی دانای کل به توصیف نیک دیده‌های خود می‌پردازد، در «موج‌ها» بیان انتزاعی سرشاری بر دیده‌ها حک شده و در حافظه و خاطرات نوستالژیک «وولف» افزون می‌شود. بدین ترتیب در «باغ (پارک) کیو» در ۱۹۱۷ «وولف» از مشاهدات خویش از یک مکان در یک زمان واژه‌گان را ردیف می‌کند، در «موج‌ها» در ۱۹۲۹ تصاویری از مکان‌های گوناگون در یک زمان، یک مکان در زمان‌های گوناگون و مکان‌های گوناگون در زمان‌های گوناگون ارائه می‌کند.

«باغ (پارک) کیو» مینیاتوری از دنیاست که مشاهده‌گر تنها به «آب‌تنی کردن در حوضچه اکنون» بسنده کرده است، اما جهان «موج‌ها» (از الودون تا نیل و هند و آن سوی دریاها و اقیانوس‌ها) کل جهان هستی را دربر می‌گیرد و راوی (راوی در پس پرده، «برنارد» و پنج کاراکتر دیگر) پیوسته از اکنون به گذشته و از آن‌جا به آینده در گشت‌وگذار است. زمان افعال و زاویه تابش خورشید است که هنگام روایت را نمایان می‌سازد.

خود «وولف» در یادداشت‌های روزانه‌اش درباره موج‌ها نوشته است: «می‌خواهم در عمل همه چیز را در آن بیاورم، و کلبتی به لحظه بدمم؛ دربردارنده هر آن‌چه هست».

بدین ترتیب در «موج‌ها» درست برخلاف ویژه‌گی شناخته‌شده و پذیرفته‌شده رمان‌ها، سرنوشت پرسوناژهای رمان و دگرگونی جایگاه و هنگامه‌ها مهم و برجسته

نمی‌شود، بلکه خودآگاهی آمیخته با درک و شهود راویان و افکار انتزاعی درهم تنیده با احساس‌های نوستالژیک شش کاراکتر (شش گوشه دورافتاده یک من (Ego) یگانه) نمایش‌نامه‌یی و شیخ‌وار است که در کانون ذره‌بین ذهن قرار می‌گیرد. حتا با آن‌که این شش کاراکتر و بسیاری از رخدادهای کودکي، جوانی و میان‌سالی آن‌ها و به ویژه مکان‌های روایت شده در «موج‌ها» برای خود «وولف» شخصاً اهمیتی بنیادین و نیز نوستالژیک دارد (تا آن‌جا که کل متن را به یک خودفاشگری و حدیث نفس آشکار براساس تداعی آزاد شبه‌روان‌کاوانه بسیار نزدیک می‌کند)، چه خاطرات و رخدادهای سال‌های گوناگون و چه فضاها و مکان‌های مورد اشاره «وولف»، در نقش راوی پس‌زمینه و شش کاراکتر رمان، برای بیشتر خواننده‌گان حتا دل‌بسته تاریخ ادبیات، ارزش و اهمیت ویژه‌یی پیدا نمی‌کند. آنچه برای ایشان چشم‌گیر و برجسته می‌شود، همانا سیلان ذهنی درک و شهود انتزاعی و خودآگاهانه آدمی از خویشستن و پیرامون است که هر خواننده بینا و بیدار و هوشیاری را به همذات‌پنداری ادبی و احساسی برمی‌انگیزاند تا در برخورد و واکنش امپرسیونیستیک و اگزیستانسیالیستیک راوی به جهان واقعیت‌ها و واقعیت جهان در حس و حالی شبه‌سورئالیستیک شریک و سهیم شود؛ واقعیتی که در ستیز و کشمکش «روزمره‌گی زنده‌گی» با «مرگ» نمود و نشان می‌یابد تا رویاها و فانتزی‌های رمانتیک در بستر آن رنگ بازند.

دید فراخ و پهنآور، گوش‌های تیز، مشام هوشیار، پوستی حساس و ذائقه‌یی خوش همراه با رشادت و دلآوری بی‌مانند و عطش سیراب ناشدنی به نوشتن و نوشتن و نوشتن، همه و همه ابزاری برای به تصویر کشیدن جدال بی‌فرجام یار - زنده‌گی - با دشمن - مرگ - می‌شوند تا شاید پیش از سرنوشت محتوم و تقدیر چاره‌ناپذیر - مرگ - رویاها و آرزوهای ذهنی کمال‌گرایانه دست‌کم اندکی جاری شوند، شاید ذره‌یی از آن‌ها ولو بر سپیدی کاغذ ماندگار شوند.

رویاها و فانتزی‌هایی که بسیار پیشتر از «سنت‌های کهنه و جاهلی» و ویکتوریایی بود. آیا این ابزار و چنین کوششی برای ما پارسی‌زبان‌های همدم ادبیات آشنا نیست؟ این‌گونه نقاشی و نمایش سنت‌ستیزانه با واژه‌گان را به آسانی می‌توان در پنج دفتر شعر «فروغ فرخزاد» (به‌ویژه آن دو واپسین دفتر) سراغ گرفت. با لحنی بسیار بسیار شاعرانه‌تر، فاخرتر و ماندگارتر از رمان آزمایشی (تجربی) موج‌ها. آزمایشی که در رسیدن به آماج بلندپروازانه و بی‌همتای خود ناکام می‌ماند، هرچند به آفرینش اثری متفاوت می‌انجامد. اثری که گرچه سبکی نوین میان شعر و رمان نمی‌آفریند اما ویژه‌گی‌هایی منحصر به فرد را برای نخستین بار ارائه می‌کند. یکی از این ویژه‌گی‌ها، روایت شدن پی درپی کاراکترها، در سراسر دوره زنده‌گی آن‌ها، از دیده‌گان و ذهن دیگر شخصیت‌های

رمان است. روایتی که از همان آغاز تا تک‌گویی پایانی برنارد (نماینده و نایب راوی غایب) هم‌چون موج‌های دریا به گونه‌یی سیال، پی در پی و سرگیجه‌آور تکرار و تکرار و تکرار می‌شود تا متن سرسام‌آور و روان‌پرشانه جلوه کند. این امر تا آن‌جا پیش می‌رود که تردیدی در ذهن من زاده می‌شود؛ آیا «وولف» با آفریدن «موج‌ها» خودآگاهانه، نیمه‌خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه به دنبال شریک کردن تجربیات شبه‌روان‌پرشانه خویش در دوره‌های نرمال میان اپیزودهای اختلال خلقی دوقطبی و تجربه‌های روان‌پرشانه خود در اپیزودهای مکرر مانیک - دپرسیو با خواننده‌گان این رمان خاص نبوده است؟ واقعیت این است که به عمد یا اتفاق، آگاهانه یا ناخودآگاهانه «موج‌ها» در «تجربه مشترک سیلان ذهنی «شیداگونه» و «روان‌پرشانه» بسیار کامیاب و پیروز بوده است. در خوانش «موج‌ها» همذات‌پنداری خواننده هوادار ادبیات ژرف و جدی از مرز همذات‌پنداری ادبی به همذات‌پنداری نه روانی که روان‌پرشانه - تا اندازه تجربه افکار شبه‌ذهنی در درون مایه فکر؛ سست شدن تداعی‌ها، فشار، سبقت‌جویی و پرش افکار، حاشیه‌پردازی و تفکر مماسی در فرآیند و فرم فکر و فریفتارها و توهمات درک حواس پنج‌گانه - می‌رسد. بدین ترتیب، مخاطب روان‌پریش نبوده «موج‌ها» در گذار نرم و آهسته نویسنده از امپرسیونیسم به فضای شبه سورئالیستیک، به آسانی می‌تواند فضای سرسام‌آمیز، کلافه‌انگیز و سرگیجه‌آور یک اپیزود خلقی آمیخته به روان‌پریشی خفیف و متوسط برآمده از اختلال خلقی دوقطبی مانیک - دپرسیو را تجربه کند؛ اختلال خلقی دوقطبی که تنیده و آمیخته به اختلال وسواس ذهنی - جبری است.

تردید دیگری در ذهن من رشد می‌کند؛ آیا همین همذات‌پنداری و همانندسازی روانی در «تجربه مشترک روان‌پریشی (سایکوز)» برای خواننده‌گان نزدیک یا بر مرز این تجربیات، افزون بر نام و فرجام نویسنده، به هیاهو و بلندآوازه شدن این رمان - دست کم نزد منتقدان فرهنگی، ادبی و هنری برخوردار از سرشت سیکلوتاچمیک - نینجامیده است؟

بی‌گمان هنر ذهن سرشار، ضمیر هوشیار، گوش بیدار و چشم مراقب «وولف» در «موج‌ها»، ثبت و توصیف «شناور در زیبایی‌های لغزان زنده‌گی روزمره زیستن» بوده است؛ زنده‌گی زودگذر فواره‌وار که در آن «هرچه بالاتر بجهیم، باز به درون آب می‌افتیم». (نک ص ۲۸۷) زنده‌گی که مردمانش «هنوز پرده ابهام موج جاری را که در آن غرقه بوده‌اند، به تن دارند». (نک ص ۳۰۴)

اما آن‌چه این رمان را از دیگر رمان‌های ناسورالیستی جدا و متمایز ساخته و برمی‌افزاید، همانا فرآیند و فرم خاص روایت رمان است که فرصتی کم‌نظیر برای «برخورد نزدیک و تجربه مشترک» فضایی شبه‌روان‌پرشانه پدید می‌آورد تا

خواننده بتواند به زیر پوست و رگ خویش لمس کند که «آن‌چه آدم را عذاب می‌دهد، فعالیت هول‌ناک فکر است». (نک ص ۳۴۱)

جدا از این‌ها «موج‌ها» روایتی بی‌کشش، خسته‌گی‌آور و کسل و کلافه‌کننده (سرشار از «تعلیق» در زمان، مکان و فرد) است که بیشتر در شرح و بسط جزئیات گاه کاملاً غیرضروری و «بر دوش کشیدن راز اشیا (اشیایی که نظم حقیقی‌شان توهم مدام ماست)» (نک ص ۳۷۱ و ۳۴۹) شناور و سرگردان مانده است تا آن‌جا که در پایان رمان، نویسنده دل‌زده و آشفته از زبان «برنارد» فریاد برمی‌آورد؛ «کتابم پر از جمله‌پردازی، افتاده روی زمین. زیر میز است تا زن نظافتچی که خسته و کوفته کله سحر دنبال کاغذپاره، بلیت‌های کهنه تراموا و این‌جا و آن‌جا یادداشتی که گردگلوله مُچاله و قاطی زباله شده، بیاید و جاروب‌شان کند و ببرد. جمله مناسب ماه چیست؟ جمله مناسب عشق چی؟ مرگ را به چه نامی بخوانیم؟ نمی‌دانم. زبان موج‌زی مثل زبان دل‌داده‌ها می‌خواهم، کلمات تک‌سیلابی مثل حرف زدن بچه‌ها... زوزه‌یی می‌خواهم؛ فریادی... دیگر به کلمات نیازی ندارم... هیچ یک از آن کلمات خوش‌طینت و گوش‌نواز را نمی‌خواهم... جمله‌های قلابی. دیگر کارم با جمله‌ها تمام شده».

این رمان که آن را سومین رمان آزمایشی (تجربی) وولف پس از «به سوی فانوس دریایی» و «خانم دالوئی» می‌دانند، در یک بامداد تابستان آغاز شده و در یک شبانگاه پاییزی پایان می‌یابد. در گذار از هر بخش رمان که در آن یک کاراکتر توصیف می‌شود، چشم‌انداز دگرگون می‌گردد. این دگرگونی با تغییر چه‌گونه‌گی تابش خورشید بر ساحل و خانه و باغ بیان می‌شود که چشم‌انداز و دیدگاه یک نفر نیست. واقعیت بیشتر از سوی راوی پنهان در پس پرده بیان می‌شود و آن‌چه در هر بخش از رمان با توصیف هر کاراکتر بیان می‌گردد، داده‌های واقعی نیستند. هر کاراکتر به بیان ذهنیات خودش درباره خود و دیگران می‌پردازد و خود نیز بیشتر به گونه‌یی سیال و شناور - هم‌چون دیگر کاراکترها - از دریچه ذهن دیگران توصیف می‌شود. در این تکنیک و ساختار چند چشم‌اندازانه، هر کاراکتر تنها برای خویش این جملات را در ذهن می‌پروراند، نه این‌که آن‌ها را هم‌چون دیالوگی در پاسخ به دیگران بر زبان آورد. مونو دیالوگ‌های بی‌لذت هر اپیزود در یک ریتم تکرار و تغییر جاری می‌شوند که بیان‌گر «آوای گروهی صداها» است. آن‌چه از تابش خورشید و از مکان با بیان جزئیات، اشیا و اشخاص - از ذهن خود یا دیگری - به تصویر کشیده شده است، «نمایش سایه‌وار و شیخ‌گونه» همه این‌ها و رخ‌دادهای وابسته به آن‌هاست که با سود جستن از توصیف و تمثیل و تشبیه و استعاره‌های فراوان و سرشار فرآیند و درون‌مایه‌یی شعرگونه را آفریده است. پل ارتباطی بین ساختار کلی رمان و بخش‌های در ارتباط با هر کاراکتر، تصاویر و موتیف‌های مشترک تکرارشونده‌یی است که از آن جمله می‌توان به «موج‌هایی که بر کرانه می‌شکنند»، «جنگاوران دستار بر سر»، «فیل، جانور بزرگ، با پای زنجیر شده که بر ساحل پای می‌کوبد» - و غرض آن از کرانه یا شاید دنیایی دیگر به گوش می‌رسد و کوبیده شدن پایش بر ساحل هم‌چون کوبیده شدن طبلی بزرگ آغاز اپیزودی دیگر را بانگ می‌دهد - و حتا «پیوند نور و تاریکی و اجزای فاسد شدنی» اشاره کرد.

بی‌پایه نیست اگر «موج‌ها» را بیش از آثار پیشین وولف، برآمد خودکاوی‌های وولف و تداعی‌های او از مشاهدات سال‌های کودکی، نوجوانی، جوانی و میان‌سالی او بدانیم. این درون‌نگری، خودکاوی و مشاهده‌گری جزئی‌نگر، وسواس‌مدارانه و البته شاعرگرایانه با «نفی واقعیت» و تنها نشاندادن «سایه‌یی از آن در پس پرده ابهام زنده‌گی جاری، هرچند از «موج‌ها» رمان منحصر به فردی پدید آورده است، اما در هم‌سنگ و هم‌پایه کردن آن با شعرهای درخشان و ماندگار ادبیات جهان، ناکام مانده و در عین حال از شمار خواننده‌گان و دوست‌داران «وولف» به‌شدت کاسته است.

«موج‌ها» هرگز بزرگ‌ترین دستاورد «وولف» نبوده و نمی‌تواند باشد. انتشار «موج‌ها» هرگز آن موج‌های پیشوازی را که «وولف» دل‌زده و ناامیدانه چشم به راه‌شان بود را برنینگیخت. این رمان شبه‌شاعرانه هرچند اثری بدیع بوده است، اما هرگز شاهکاری ادبی و اشتیاق‌برانگیز نیست؛ تا چه رسد به این‌که در زمره پنج برجسته‌ترین رمان سده بیستم جای گیرد، و اما باید از انتشار برگردان دوباره این رمان به کوشش جناب غبرایی خشنود و سپاس‌گزار بود که نسخه‌یی شیواتر، امروزی‌تر و کامل‌تر از «خیزاب‌ها» «پرویز داریوش» را به فارسی برگردانده و امکان تجربه مشترک، برخورد نزدیک و همذات‌پنداری با «روان پریشی‌های نرم و ملایم «خلق مانیک - دپرسیو» و توصیف‌ها، تشبیه‌ها و استعاره‌های درخشان برآمده از آن و هم‌چنین «هراس از مرگ» را برای فارسی‌خوانان فراهم ساخته است؛ مرگی که در پایان، راوی شکست‌پذیرفته و از پا افتاده در کنشی هراس‌ستیزانه خود را به کام آن پرتاب می‌کند تا موج زنده‌گی‌اش بر کرانه مرگ بشکند.

پاسخ کمیسیون شکایات انتخاباتی به بازنشدن دفترهای ولایتی این کمیسیون:

منتظر منظوری کمیشران ولایتی از سوی رییس جمهور هستیم

ناجیه نوری

مسوولان کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی می‌گویند تا اکنون در هیچ ولایتی دفتر محلی آن‌ها باز نشده است.

به گفته مسوولان این کمیسیون، به دلیل «تراکم کاری» و «تأخیر در ایجاد این نهاد»، آن‌ها در کارهای شان عقب‌مانی دارند.

دبیر و سخنگوی این کمیسیون می‌گوید: هرگاهی که منظوری اعضای کمیسیون ولایتی ما از مقام ریاست‌جمهوری برسد، دفتر ما هر چه زودتر در ولایت‌ها گشوده خواهد شد.

شماری از نهادهای انتخاباتی و آگاهان سیاسی می‌گویند، باز نشدن هرچه زودتر دفترهای ولایتی کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی یک چالش بزرگ سد راه برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم خواهد بود.

پیش از این یک مقام کمیسیون رسیده‌گی به شکایات‌های انتخاباتی گفته بود که به دلیل پوره نشدن کارمندان و کمبود بودجه، ممکن است نتوانند برای نظارت بر روند انتخابات آماده‌گی بگیرند و این امر احتمال تکرار تقلب انتخاباتی در افغانستان را قوت می‌بخشد.

اما دبیر و سخنگوی کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی این موضوع را رد می‌کند.

نادر محسنی سخنگوی کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی به روزنامه ماندگار گفت که تا اکنون در هیچ ولایتی دفتر کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی باز نشده است؛ اما زمانی که منظوری اعضای دفتر ولایتی ما، از مقام ریاست‌جمهوری برسد، دفتر ما هر چه زودتر گشایش خواهد یافت.



به گفته سخنگوی کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی، با توجه به اینکه کمیسیون یک مقدار دیرتر ایجاد شد و فعالیت‌اش را دیرتر آغاز کرد؛ اما با آن هم کارهای ما بسیار به خوبی به پیش می‌رود.

اما جان‌داد سپین‌غر رییس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) می‌گوید، باید کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی هرچه زودتر دلیل باز نشدن دفتر ولایتی این کمیسیون را با رسانه‌ها شریک بسازد و در عین حال راه‌های بدیل را که با وجود این مشکل چطور می‌توانند نقش‌شان را به شکل درست و موثر انجام دهند، نیز ارایه کنند.

به گفته وی، اگر دفتر ولایتی کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی باز نشود، چند مشکل به میان خواهد آمد: اول اینکه رسیده‌گی به شکایات نامزدان و کسانی که شکایت دارند چگونه انجام خواهد شد؟ چالش دوم اینکه براساس قانون رسیده‌گی به شکایات‌های انتخاباتی، باید در ولایتی که شکایت صورت گرفته است، رسیده‌گی انجام شود و اگر به این شکایات در دفتر مرکزی رسیده‌گی صورت می‌گیرد، از نظر

مناظره متفاوت سه نامزد ریاست‌جمهوری

آقای عبدالله تأکید کرد: ما نیاز داریم که لقب بزرگترین کشور مفسد را پاک می‌کنیم.

قیوم کرزی نامزد دیگر انتخابات گفت که از کشت مواد مخدر بیشتر قاچاقچیان سود می‌برند و در صورت پیروزی، توجه بیشتر به کشاورزان می‌کنیم تا به کشت قانونی روی آورند.

او همچنان در زمینه ایجاد کار به مردم گفت که بهترین راه در این خصوص، توجه به سکتور خصوصی می‌باشد. اشرف غنی احمدزی یکی دیگر از نامزدان ریاست‌جمهوری، در این مناظره بر رشد اقتصادی کشور تأکید کرد و گفت که فقر به‌خاطر در افغانستان افزایش یافته که رشد اقتصادی کاهش یافته است.

او همچنان گفت که هر فرد کشور باید از صنف شش تا صنف نهم، ظرفیتی را داشته باشد که سکتور خصوصی به آن نیاز دارد.

اشرف غنی احمدزی در این مناظره گفت که باید تداخل کاری میان وزارت‌خانه‌ها از بین برده شود.

اختلاف بر سر ارزش به جهاد اشرف غنی احمدزی در این مناظره گفت که جهان اسلام باید به جهاد افغانستان ارزش بدهد.

داکتر عبدالله در واکنش به این گفته آقای احمدزی گفت که به جای جهان اسلام، باید خود ما به جهادمان ارزش بدهیم.

به گفته او، در ۱۳ سال گذشته به جهاد افغانستان ارج گذاشته نشده است و کسانی بودند که در این زمینه بی‌توجهی کرده‌اند و اتهامات نادرستی را بر مجاهدین وارد کردند. به نظر می‌رسد اشاره او در این زمینه به اشرف غنی احمدزی بوده است.

اما اشرف غنی احمدزی بر احترام گذاشتن به جهاد تأکید کرد و گفت که جهاد «تیکه‌دار» ندارد.

روند صلح با شورشیان طالبان که اکنون در بن بست قرار گرفته مشروط کرده است.

ماموریت سازمان ملل متحد علاوه بر این در گزارش خود از افزایش هشدار دهنده شمار قربانیان در میان زنان (۳۶ درصد افزایش در مقایسه با سال ۲۰۱۲) و کودکان (بعلاوه ۳۴ درصد) که به میزان بی سابقه‌ای از سال ۲۰۰۹ رسیده است اشاره کرد.

ژرژت گانیون از مقامات ماموریت سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر در توضیح گفت: «واقعیت وحشتناک این است که اغلب زنان و کودکان در زنده‌گی روزمره خود در خانه‌های خود یا در مسیر مکتب یا هنگامی که در مزارع کار می‌کنند، جان خود را از دست می‌دهند.» این گزارش تأکید می‌کند مواد منفجره دست ساز (از سلاح‌های مرجح طالبان) در سال ۲۰۱۳ منشأ بیشترین

حقوقی مشکل دارد؛ بنابراین باید هرچه زودتر دفتر ولایتی رسیده‌گی به شکایات‌های انتخاباتی فعال شود.

مشکل سوم این است که اگر کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی در ولایت دفتر فعال نداشته باشد، در جریان مبارزات انتخاباتی نظارت صورت نگیرد و به تخلفاتی که در جریان کمپین‌ها انجام می‌شود، رسیده‌گی نشود، انتخابات با چالش مواجه خواهد شد.

رییس اجرایی فیفا تأکید کرد، کمیسیون شکایات یک نهاد بسیار مهم در روند انتخابات است؛ بنابراین اگر این کمیسیون آماده نباشد و یا نقش‌اش را آن طوری که باید درست انجام ندهد، طبیعتاً که تأثیرات منفی بر روند انتخابات و نتایج انتخابات خواهد گذاشت.

در همین حال، اشراق حسینی آگاه سیاسی می‌گوید، برگزاری انتخابات، یک روند بسیار مهم در راستای نهادینه ساختن دموکراسی در افغانستان است؛ بنابراین ایجاد می‌کند که نهادهای مسوول مانند کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی، نقش‌شان را در راستای برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم طور لازم ایفا کنند.

وی تأکید کرد، باز نشدن دفتر کمیسیون شکایات‌های انتخاباتی نشان‌گر بی‌توجهی نهادهای مسوول و حکومت افغانستان به این مساله بسیار مهم است؛ اما اگر این دفتر هرچه زودتر باز نشود یک چالش بزرگ سد راه برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم خواهد بود و نشانگر عدم توجه حکومت به این پروسه ملی که همانا برگزاری انتخابات است، می‌باشد.

اظهارات داکتر عبدالله با واکنش قیوم کرزی نیز مواجه شد. آقای کرزی گفت: با داکتر عبدالله موافق نیستم؛ مجاهدین ارزش دارند و شاید کدام کسی بی‌احترامی کرده باشد؛ اما این به معنای بی‌احترامی به جهاد افغانستان نیست.

اختلاف بر سر خط دیورند داکتر عبدالله عبدالله در این مناظره گفت که درباره خط دیورند باید مردم افغانستان و مردم آن طرف مرز تصمیم بگیرند.

او گفت که نزاع تاریخی نباید سبب عدم کنترل خطوط مرزی شود و تروریستان بتوانند به ساده‌گی عبور و مرور کنند.

او همچنان گفت: پاکستان باید بداند که استفاده از تروریسم به عنوان ابزار سیاست خارجی جایز نیست. اشرف غنی احمدزی در این خصوص گفت که باید اول ثابت کنیم که ما صاحب اصلی افغانستان هستیم، بعد وارد بحث تاریخی با پاکستان شویم.

احمدزی گفت که سیاست‌های پاکستان به این نتیجه رسیده‌اند که ثبات در افغانستان به معنای ثبات در پاکستان است؛ اما نظامیان و سازمان استخبارات این کشور، تا اکنون به چنین نتیجه‌ی نرسیده‌اند.

او افزود که افغانستان باید به موقعیتی برسد که از تمامیت ارضی خود دفاع کند. اشرف غنی احمدزی ظاهراً مخالف به رسمیت شناختن خط دیورند است. در بخش دیگر، داکتر عبدالله به پاسخ آقای احمدزی پرداخت و با اشاره به مسأله «عمق استراتژیک پاکستان» گفت که واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که نزاع تاریخی دیورند به سود افغانستان نیست.

قیوم کرزی در این زمینه دیدگاهی نزدیک به اشرف غنی احمدزی داشت. او گفت که هر دو کشور پاکستان و افغانستان باید منافع مشترک خود را دریابند و برای حل چالش‌های موجود

قربانیان غیر نظامی (۳۴ درصد) است. این بمب‌ها به کشته شدن ۹۶۲ نفر و زخمی شدن ۱۹۲۸ نفر در سال گذشته منجر شده است.

دفتر سازمان ملل متحد همچنین در خصوص خشونت‌ها در طول انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان که دور نخست آن برای پنجم اپریل پیش بینی شده است ابراز نگرانی کرد.

سازمان ملل متحد ۲۵ حمله را سرشماری کرده است که به کشته شدن جان شماری زیادی از غیرنظامیان منجر شده است.

دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان هشدار داد این مشکلات امنیتی ممکن است مشارکت غیر نظامیان را در انتخابات آینده کم رنگ کند.

رییس‌جمهور چین به کرزی: محیطی سالم برای همکاری دوجانبه به وجود آورید



شی جین پینگ و حامد کرزی رؤسای جمهوری چین و افغانستان روز گذشته در سوچی برای پیشبرد و تعمیق مناسبات دوجانبه توافق کردند.

روسای جمهوری چین و افغانستان در مراسم افتتاحیه بیست و دومین بازی‌های المپیک زمستانی سوچی شرکت کرده بودند.

شی جین پینگ گفت اهمیت فوق‌العاده‌یی برای مناسبات کشورش با افغانستان قابل است و برای حفظ مبادلات دو کشور در سطح بالا و همچنین بهبود ارتباط و همکاری به منظور پیشبرد مناسبات دوجانبه آماده‌گی دارد.

به گزارش خبرگزاری شین هوا از سوچی، رییس‌جمهوری چین از کابل خواست محیطی سالم برای همکاری دوجانبه به وجود آورد.

شی جین پینگ اظهار داشت: چین تمایل دارد برای بازسازی افغانستان و به ویژه آموزش کارکنان به صورت مداوم به این کشور کمک کند و شرکت‌های چینی را برای سرمایه‌گذاری در افغانستان ترغیب می‌کند.

رییس‌جمهوری چین گفت کشورش برای تقویت همکاری با افغانستان در زمینه مبارزه با «سه نیروی شرارت یعنی جدایی طلبی، افراطی‌گری و تروریسم» و همچنین جرایم فرامرزی آماده است.

شی تأکید کرد چین به صورتی قاطعانه از تلاش‌های افغانستان برای محافظت از استقلال ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی و همچنین فرآیند آشتی ملی حمایت خواهد کرد.

وی با اشاره به این که سال ۲۰۱۴ از جنبه انتقال قدرت در افغانستان، سالی بحرانی خواهد بود گفت امیدوار است انتخابات این کشور به خوبی برگزار شود، روند انتقال قدرت به ثبات برسد و شکوفایی و ثبات پایدار برقرار شود.

رییس‌جمهوری چین اطمینان داد سرنوشت افغانستان ارتباط تنگاتنگی با آینده

منطقه پس از سال ۲۰۱۴ خواهد داشت و چین پیوستن افغانستان را به روند همکاری اقتصادی منطقه‌یی خواستار است.

شی جین پینگ اعلام کرد با توجه به این که چین می‌بایست میزبان چهارمین نشست وزیران عضو «پروسه استانبول در مورد افغانستان» باشد، پکن برای همکاری تنگاتنگ با کابل به منظور موفقیت آمیز بودن این پروسه آماده است.

وی افزود چین همچنین آماده‌گی دارد به گونه‌یی عمل نماید که سازمان همکاری شانگهای نقشی مهم در مسأله افغانستان ایفا کند.

حامد کرزی نیز به سهم خود اعلام کرد سفر کاری اش به چین در سپتمبر گذشته تقویت اعتماد و همکاری دوجانبه را به دنبال داشته است.

رییس‌جمهوری افغانستان با تقدیر از چین به خاطر درک و حمایت از افغانستان

گفت اطمینان دارد رییس‌جمهوری و معاونان آینده افغانستان که ظرف چند ماه آینده انتخاب می‌شوند نیز اهمیت فوق‌العاده‌یی برای مناسبات همکاری دوستانه با چین قابل خواهند شد.

کرزی پس از مطلع کردن شی جین پینگ از اوضاع کنونی افغانستان گفت دولت به تلاش برای پیشبرد آشتی ملی، بازسازی و همچنین تحقق ثبات و صلح در افغانستان ادامه خواهد داد.

رییس‌جمهوری افغانستان در پایان اظهاراتش گفت کشورش همچنین مناسبات دوستانه با کشورهای همسایه را حفظ خواهد کرد و برای محافظت از صلح و ثبات در منطقه خواهد کوشید.



روسیه ته د ولسمشر سفر به د کابل - واشنگتن

پر اریکو منفي اغېز وکړي

په داسې حال کې چې ولسمشر کرزي په ژمنو المپيکي سياليو کې د گډون لپاره روسیه ته تللی و، د سياسي چارو يوشمېر شنونکي وايي، په دې حساس وخت کې روسیه ته د ولسمشر کرزي سفر بې وخته و.

هغوی وايي، په هېواد کې مهم مسايل شته چې ولسمشر ورته د دې سفر پر ځای بايد رسېدنه کړي وای. هغوی وايي، روسیه ته د ولسمشر سفر او له چينايي ولسمشر لیده کاته به يې د افغانستان او امریکا په اړیکو اغېز وکړي. خو ځينې نور شنننډي وايي، ولسمشر د يوه خپلواک شخص په توگه حق لري چې له هر چا سره وگوري.

د سياسي چارو څېړونکي محمداسحاق اتمر مانديگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وويل، په داسې حال کې چې په هېواد کې د واورې وړېدو له امله لسگونه کسانو خپل ژوند له لاسه ورکړی، گڼ کورونه ويجاړ شوي او لارې بندې دي، په المپيک سياليو کې د گډون لپاره، روسیه ته د ولسمشر کرزي سفر مناسب نه و.

هغه وايي، په هېواد کې ډېر حساس مسايل شته چې بايد ولسمشر ورته پام وکړي او له چينايي ولسمشر سره اړیکې بايد په چين او يا کابل کې د بهرنيو چارو وزارت له لوري ترسره شوې وای. ده په خبره، باوري نه دی چې ولسمشر کرزي به په دې سفر کې د ملگرو ملتونو له عمومي منشي بانکي مون، د روسیې له ولسمشر ولاديمير پوتین او د چين له ولسمشر سره په مهمو مسايلو خبرې کړي وي او يا يې د هغوی ژمني او مرستې ترلاسه کي وي، ځکه دا د المپيک مراسم ول، چې اجنبا يې له مخکې نه ټاکل شوي وه.

د سياسي چارو دغه شنننډي زياتوي، که چېرې ولسمشر کرزي له روسیې او چين سره ځينو توافقاتو ته رسېږي دا به له شک پرته چې له امریکا سره د افغانستان پر اړیکو اغېز کوي، ځکه ناټو او امریکا تر اوسه په افغانستان کې شتون لري. ښاغلی اتمر وايي، ولسمشر هر مهال د مهمو مسايلو پر ځای ځان ته نوې او فرعي سوډې پيدا کوي، ځان پر هغو مسايلو بوختوي او دا سفر يې هم همدغسې يوه هڅه وه.

هغه په دې اند دی، چې د ولسمشر د دې سفر د خبر په اورېدو خواشينی شوی او حتی تر اوسه يې هغو زيانمنو شويو کورنيو ته تسليم نه دی ويلي، چې د واورې وړېدو له امله يې د کورنۍ غړي له لاسه ورکړي دي.

خو د سياسي چارو شنونکي او د کابل پوهنتون استاد نجيب محمود مانديگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وويل، ولسمشر کرزي د هېواد د ولسمشر په توگه حق لري، چې له هر چا سره وگوري او دا په دې مانا نه ده، چې نوموړي له امریکا نه د تېښتې لپاره روسیې او چين ته مخه کړي ده.

هغه وايي، ولسمشر هېڅکله داسې چارې نه ترسره کوي چې له امریکا سره په اړیکو کې ده او ټيم ته يې زيان ورسېږي، ځکه هغه پوهېږي چې د سوچي په لوبو کې برخه اخيستل او د چين له ولسمشر سره ليدل يې د کرزي او امریکا په اړیکو کې خنډ نه



رامنخته کوي.

د نوموړي په وينا، ولسمشر اړ دی چې د نړۍ د هېوادونو ترمنځ په اړیکو کې توازن وساتي او کولای شي له چين سره د اړیکو د ښه او پراخولو لپاره له چينايي مشرانو سره ليدني وکړي. ښاغلی محمود په دې اند دی، روسیې ته ولسمشر کرزي په خپل او له چينايي ولسمشر سره په ليدو هڅه کړې وښيي، چې نوموړی يو خپلواک شخص دی، د چا لارښوونو ته اړتيا نه لري او کولای شي هر مهال له هر چا سره وگوري.

هغه زياته کړه، امریکا او ولسمشر کرزي په داسې دريځ او موقف کې نه دي چې د چين له ولسمشر او يا روسیې ته په تگ يې اړیکې خړې شي.

ده د وويل، د افغانستان راتلونکي ولسمشر او يا ولسمشر کرزي اړ دی، چې د سيمې له هېوادونو لکه چين، روسیه، هند، ايران او پاکستان سره اړیکې ولري، که چېرې ولسمشر له دغو هېوادونو سره اړیکې ونه پالي او يا ترې ځان گوښی کړي دا د افغانستان په گټه نه ده.

د کابل پوهنتون ياد استاد وايي: ((زموږ ډېر وارداتي توکي له چين څخه دي. چين د افغانستان حوزه له نېردي خاري. دا هېڅکله پر امریکا فشار نشي راوړلای چې ولسمشر دې د چين له ولسمشر سره وگوري او په ځينو توکيو دې هوکړه وکړي. ځکه امریکا ښه پوهېږي، ولسمشر داسې کار نه کوي، چې پر امریکا د فشار لپاره وکارېږي.))

نوموړی زياتوي، د افغانستان اقتصاد، امنيتي سکتور، بهرنۍ اړیکې، رسنۍ او نور ټول د امریکا په ملاتړ مخ ته ځي او ولسمشر نه غواړي دا ملاتړ پرې شي: ((يوه ورځ ولسمشر په امریکا نيوکي کوي، خو سبا يې وياند له امریکا سره د امنيتي تړون د لاسليک خبره کوي او وايي چې دا تړون لاسليک کوو. له دې ښکاري چې اوس هم د امریکا او کرزي ترمنځ چنې وهل روان دي. او ښايي دا تړون لاسليک شي.))

استاد نجيب محمود وويل، که چېرې د افغانستان او امریکا ترمنځ امنيتي تړون لاسليک نشي د افغانستان لپاره به ښې پايلې ونه لري.

نگرانی سازمان ملل از افزایش تلفات غیر نظامیان در افغانستان



سازمان ملل در گزارش روز شنبه خود اعلام کرد، درگیری و جنگ میان دولت افغانستان و طالبان در سال ۲۰۱۳ باعث افزایش ۱۴ درصدی تلفات غیر نظامیان در این کشور شده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، در این گزارش که از سوی سازمان ملل منتشر شده آمده است: خروج تدریجی نیروهای خارجی از افغانستان نیروهای دولتی این کشور را در برابر حملات شبه نظامیان آسیب پذیرتر کرده و نتایج این درگیریها باعث افزایش تلفات غیر نظامیان در سال گذشته میلادی شده است. بالا رفتن تلفات غیر نظامیان در سال گذشته میلادی زنگ خطر را در خصوص افزایش مرگ و میر کودکان و زنان ناشی از این حملات و تغییر روند درگیریها به صدا درآورده است.

سل ۲۰۱۳ بدترین سال برای زنان و کودکان از سال ۲۰۰۹ بوده به طوری که تعدادی تلفات یا زخمیها ناشی از درگیریها نسبت به سال ۲۰۱۲ یک سوم افزایش داشت. حدود ۲۷ درصد از تمام تلفات ۲۰۱۳ ناشی از جنگ و درگیریهای میان دولت و طالبان بوده و نمیتوان اکثر این تلفات را مختص به یک طرف دانست.

سازمان ملل در این گزارش آورده است: ذات درگیریها در افغانستان در سال ۲۰۱۳ تغییر یافت و حملات بیشتر علیه غیر نظامیان و مناطق پر جمعیت و شهری بود. البته هنوز بزرگترین عامل کشتار افغانها همان بمبهای کنترل از راه دور هستند که شبه نظامیان آنها را در مناطق پر جمعیت و مسکونی نظیر بازارها، جادهها و ساختمانهای دولتی منفجر می کنند. انفجار بمبها خود عامل مرگ یک سوم غیر نظامیان در افغانستان است و سازمان ملل اعلام کرده که انفجار این بمبها ۲۹۵۹ کشته و ۵۶۵۶ زخمی برای گذاشته است.

در حالیکه دو طرف مسوول افزایش کشتارها و تلفات سال گذشته محسوب می شوند، سازمان ملل اعلام کرده که سه چهارم این تلفات ناشی از اقدامات طالبان است.

یان کوبیش، نماینده ویژه سازمان ملل در بیانیه یی اعلام کرد: اظهار نظرها از جانب رهبری طالبان درباره حمایت از جان غیر نظامیان و هدف قرار ندادن آنها کافی نیست. آنچه که ضرورت دارد. توقف حملات عمدی غیر نظامیان و

استفاده نکردن از بمبهای کنترل از راه دور به صورت بی رحمانه است.

نیروهای بین المللی که قرار است در پایان سال جاری میلادی از افغانستان خارج شوند، اعلام کرده اند که تنها در عملیات مشترک با نیروهای افغان فعالیت می کنند.

علاوه بر این روند استفاده از پهپادها و حملات هوایی که باعث کشته و زخمی شدن غیر نظامیان افغان شده، عامل تنش میان حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان و دولت واشنگتن است.

سازمان ملل در گزارش خود آورده است: در سال ۲۰۱۳، ۵۴ عملیات هوایی صورت گرفته که تلفات غیر نظامیان را به همراه داشته است. در حالیکه این حملات ۱۰ درصد از سال ۲۰۱۲ کاهش داشته، زنان و کودکان تقریباً نیمی از قربانیان این حملات هوایی را شامل می شوند.

همچنین از ۵۴ مورد عملیات هوایی ۱۹ مورد با استفاده از پهپادها بوده است، تعداد تلفات غیر نظامیان ناشی از حملات پهپادها از سال ۲۰۱۲ سه برابر شده است.

سازمان ملل همچنین اعلام کرد، افزایش چشمگیر در بروز حوادث از جانب نیروهای امنیتی پولیس محلی افغان دیده می شود که از سال ۲۰۱۰ در مناطق دور افتاده و ناامن به عملیات می پردازند.

در سال ۲۰۱۳، هیات سازمان ملل در افغانستان حوادث و رویدادهایی را که پولیس محلی افغان در آنجا فعالیت می کرده ضبط کرده که از جمله آن به نقض حقوق بشر می توان اشاره کرد. همچنین تلفات مرتبط با این نیروها سه برابر شده است که شامل اعدامها، مجازاتها و اقدامات تلافی جویانه می شود.

با این حال، سازمان ملل در این گزارش اعلام کرده که فعالیت و عملکرد این نیروها بهبود یافته است.



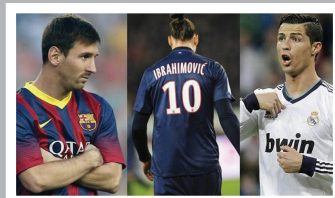
ورزش

زلتان بیشترین دستمزد سالانه را در جهان دریافت می کند

هستند که به راحتی از اندوخته زیاد خود خرج می کنند بدون آنکه مشکلی را احساس کنند. روزنامه الموندو دپورتیوو اسپانیا در گزارشی از فهرست بازیکنانی که بیشترین دستمزد سالانه را دریافت می کنند رونمایی کرد که در این میان زلتان ابراهیموویچ سوئدی که در باشگاه متمول پاری سن ژرمن توپ می زند در صدر قرار دارد و بیشترین دستمزد را به خود اختصاص می دهد. نکته جالب اینکه لیونل مسی ستاره آرژانتینی بارسولونا در جایگاه پنجم قرار دارد.

- ۱- زلتان ابراهیموویچ ۱۴,۳۷ میلیون یورو
- ۲- کریستیانو رونالدو ۱۴,۴۰ میلیون یورو
- ۳- رادامل فالکائو ۱۴,۱۵ میلیون یورو
- ۴- تیاگو سیلوا ۱۲,۱۵ میلیون یورو
- ۵- لیونل مسی ۱۰,۷۰ میلیون یورو
- ۶- گرت بیل ۹,۴۶ میلیون یورو
- ۷- ژاوی هرناندز ۸,۰۷ میلیون یورو
- ۸- آندرس اینیستا ۸,۰۷ میلیون یورو
- ۹- نیمار ۷,۰۶ میلیون یورو

ستاره سوئدی پاری سن ژرمن در گزارشی که روزنامه الموندو دپورتیوو اسپانیا منتشر کرد با پشت سر گذاشتن لیونل مسی و کریستیانو رونالدو



در صدر بازیکنانی قرار گرفت که بیشترین دستمزد سالانه را دریافت می کنند.

پول و سرمایه گذاری یکی از دلایل اصلی موفقیت در فوتبال مدرن هستند. تیم های که بیشترین پول را در فصل جابه جایی خرج می کنند و بازیکنان شاخص را به خدمت می گیرند توانایی رقابت آنها بیشتر می شود. حضور چند فرد متمول باعث شده است تا رقم های نجومی در فصل نقل و انتقالات رد و بدل شود و بازیکنان دستمزدهایی آنچنانی را بگیرند.

در حال حاضر در فوتبال اروپا باشگاه های مثل چلسی، منچستر سیتی، پاری سن ژرمن و موناکو هر بازیکنی را که بخواهند به راحتی جذب می کنند چرا که مالکان آنها افراد ثروتمندی

لیورپول توپچی های لندن را به آتش کشید



لیورپول موفق شد در حساس ترین دیدار هفته بیست و پنجم آرسنال را با نتیجه ۵ بر یک در هم بکوبد. هفته بیست و پنجم رقابت های لیگ برتر انگلیس شب گذشته با یک دیدار آغاز شد که در آن لیورپول موفق شد با نتیجه پرگل ۵ بر یک آرسنال را شکست دهد و چهارمین باخت فصل را به این تیم تحمیل کند.

لیورپول در حساس ترین دیدار هفته میزبان آرسنال بود و تنها ۶۰ ثانیه از زمان بازی گذشته بود که مارتین اشکرتل موفق شد دروازه آرسنال را باز کند. ۹ دقیقه بعد نیز این مدافع پیش تاخته موفق شد گل دوم خود و تیمش را به ثمر برساند تا خیال میزبان از بابت پیروزی در این دیدار راحت شود.

در ادامه رحیم استرلینگ در دقیقه ۱۶ موفق شد گل سوم تیمش را به ثمر برساند. دانیل استوریج نیز در دقیقه ۲۰ موفق شد چهارمین گل لیورپول را بزند تا در عرض ۲۰ دقیقه لیورپول ۴ بر صفر از آرسنال جلو بیفتد. در ادامه مسابقه بازی روند آرامی به خود گرفت تا نیمه نخست این دیدار با همین نتیجه به پایان برسد. در نیمه دوم باز هم بازیکنان لیورپول بودند که توپ و

لیورپول موفق شد در حساس ترین دیدار هفته بیست و پنجم آرسنال را با نتیجه ۵ بر یک در هم بکوبد. هفته بیست و پنجم رقابت های لیگ برتر انگلیس شب گذشته با یک دیدار آغاز شد که در آن لیورپول موفق شد با نتیجه پرگل ۵ بر یک آرسنال را شکست دهد و چهارمین باخت فصل را به این تیم تحمیل کند.

لیورپول در حساس ترین دیدار هفته میزبان آرسنال بود و تنها ۶۰ ثانیه از زمان بازی گذشته بود که مارتین اشکرتل موفق شد دروازه آرسنال را باز کند. ۹ دقیقه بعد نیز این مدافع پیش تاخته موفق شد گل دوم خود و تیمش را به ثمر برساند تا خیال میزبان از بابت پیروزی در این دیدار راحت شود.

در ادامه رحیم استرلینگ در دقیقه ۱۶ موفق شد گل سوم تیمش را به ثمر برساند. دانیل استوریج نیز در دقیقه ۲۰ موفق شد چهارمین گل لیورپول را بزند تا در عرض ۲۰ دقیقه لیورپول ۴ بر صفر از آرسنال جلو بیفتد. در ادامه مسابقه بازی روند آرامی به خود گرفت تا نیمه نخست این دیدار با همین نتیجه به پایان برسد. در نیمه دوم باز هم بازیکنان لیورپول بودند که توپ و

Mandegar

اطلاعیهی دفتر مرکزی ستاد انتخاباتی عبدالقیوم کرزی در مورد نصب پوستر

بسم الله الرحمن الرحيم

دفتر مرکزی ستاد انتخاباتی عبدالقیوم کرزی به اطلاع تمام دفترهای ستاد انتخاباتی و حامیان عزیز خویش در سراسر افغانستان می‌رساند که به منظور تطبیق دستورالعمل مبارزه‌های انتخاباتی کمیسیون مستقل انتخابات و رعایت حقوق شهروندان شریف کشور، از نصب هرگونه عکس و پوستر تبلیغاتی مربوط تیم عبدالقیوم کرزی، بر روی دیوار خانه‌ها و ملکیت‌های شخصی و دولتی و محل‌های غیرمجاز پرهیز کنند. حفظ زیبایی شهر وظیفه‌ی ماست.

و من الله التوفيق

عبدالقیوم کرزی

نامزد انتخابات ریاست جمهوری

عبدالقیوم کرزی

تاکتیزه شمېره تاکتیزه نېټه



شماره انتخاباتی نشان انتخاباتی

اصلاح تداوم و صلاح



وزارت دفاع با ابراز نگرانی از افزایش تلفات غیرنظامیان: به ارتش دستور دادیم از درگیری در مناطق غیرنظامی اجتناب کنند



سبب خروج تدریجی نیروی بین‌المللی ناتو نشات می‌گیرد.

این نیرو در سال ۲۰۱۳ کل مسوولیت امنیتی کشور را به نیروهای داخلی واگذار کرد.

نیروهای افغان با وجود شمار بالای آنها (۳۵۰ هزار نفر) نیرویی شکننده و فاقد تجهیزات ضروری اند.

سازمان ملل متحد تاکید کرد: «بسته‌شدن پایگاه‌های نظامی بین‌المللی و کاهش عملیات هوایی و زمینی ایساف به نیروهای ضد دولتی در برخی از مناطق برای حملات به نیروهای افغان انگیزه و توان بیشتری داده است.»

ادامه صفحه ۶

سخنگوی وزارت دفاع افغانستان در واکنش به انتشار گزارش سازمان ملل متحد درباره آمار غیرنظامیان کشته شده در افغانستان گفت که قربانی شدن غیرنظامیان موجب نگرانی است.

جنرال ظاهر عظیمی در عین حال گفت که به نیروهای امنیتی دستور داده شده است از درگیری‌ها در مناطق غیر نظامی اجتناب کنند.

سازمان ملل روز شنبه در گزارشی اعلام کرد میزان تلفات غیرنظامیان در جنگ افغانستان در سال ۲۰۱۳ به شدت افزایش یافت.

این سازمان افزود همزمان با تشدید درگیری میان دولت و شبه نظامیان میزان تلفات غیرنظامیان ۱۴ درصد افزایش یافته است.

براساس این گزارش خروج تدریجی نیروهای خارجی موجب شده است نیروهای دولتی افغانستان در برابر حملات شبه نظامیان آسیب پذیرتر شوند و این مسئله منجر به درگیری بیشتر در افغانستان و افزایش تلفات طی سال گذشته شده است.

سازمان ملل اعلام کرد روند جدیدی که در سال ۲۰۱۳ ایجاد شد منجر به افزایش تلفات غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان شده است که این مسأله منعکس کننده تغییر شرایط جنگ افغانستان در سال گذشته میلادی است.

این افزایش به ویژه از «تغییر ماهیت» در مناقشه به

رفیع الله گل افغان در کنفرانس اجندای ملی: تلاش برای ایجاد تفاهم و همگرایی ستودنی است



خود را از یاد نبرند تا در نتیجه آن، در انتخابات پیشرو کتله وسیعی از اشتراک مردم را در پروسه انتخابات داشته باشیم. در یک دهه گذشته از امکاناتی که موجود بود متأسفانه استفاده صورت نگرفت که این سبب ناهنجاری‌های بیشتر در جامعه ما گردیده است.

تا زمانی که همه باشنده‌های کشور یک مشت نشوند و به وحدت نرسند، مشکلات در کشور روز به روز بیشتر خواهد شد.

آرزو دارم همه نخبه‌گان، دانشمندان و علما برای رسیدن مردم به وحدت ملی در سراسر کشور تلاش‌های همه جانبه داشته باشند تا توانسته باشیم کشور را از بحران موجود نجات دهیم.

از توجه تان، سپاس

حضرار محترم، شخصیت‌های سیاسی، علمای بزرگوار، دانشمندان و اهل خیره، السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته. مسرت دارم که در چنین اوضاع و احوال حساس کشور، پیرامون مسایل داغ ملی هم‌چو محافلی برگزار می‌گردد و نظرخواهی از دانشمندان و اهل خیره صورت می‌گیرد.

تدویر کنفرانس اجندای ملی و گفت‌مان بین افغانی در چنین مرحله حساس تاریخی، به منظور گذار مسالمت‌آمیز سیاسی در کشور از طریق ایجاد تفاهم و همگرایی یک گام ستودنی است.

اجندایی که اخیراً در کشور ما مطرح و امروز در پیوند به آن صحبت و ابراز نظر می‌کنیم؛ چنین امیدی را آورده است که کشور عزیز ما در ۲۰۱۴ سال به سوی بهتر شدن نظام و ملت‌شدن به پیش می‌رود و در کنار آن چنین وانمود می‌شود که شخصیت‌های سیاسی کشور فعال شده اند و می‌خواهند کشور را به سوی بهتر استقامت دهند.

در چنین شرایطی نخبه‌گان ما تصمیم دارند تا با تجارب تلخ گذشته صفحه جدیدی را برای نسل امروز و فردای کشور بکشایند از همین رو اجندای یک حرکت جدی برای ملت‌سازی در کشور ما به شمار می‌رود.

تا جایی که به گذشته تاریخی کشور می‌نگریم، دیده می‌شود که دولت‌ها در سرزمین ما نهایت ضعیف بوده اند و از پس منظرهای اقتصادی متکی به خود نبوده اند؛ در چنین شرایطی باید گام‌های استوار به سوی ملت‌شدن برداشت تا کشور را از حالت هرج و مرج نجات داده باشیم.

در شرایط امروزی برای روشن شدن شعور و حسن سیاسی و ملی مردم، رسانه‌ها نقش بزرگی را دارند و باید این مسوولیت